

بخش هائی از بولتن خبری سازمان زنان هشت مارس (ایرانی و افغانستانی) در مورد سفر خاتمی به آلمان

به دعوت دولت آلمان، خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران، در روزهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ یولی به آلمان آمد. در این سه روز تظاهراتها و آکسیون های گسترده ای از جانب تشکلات زنان، سازمانها و تشکلات دمکراتیک و چپ، مبارز و مترقی در برلین و وایمار برگزار شد. «سازمان زنان هشت مارس»، بعنوان تدارک تظاهرات مرکزی برلین، در سویس و انگلستان نیز بهمراه چند تشکل و سازمان دیگر به برگزاری آکسیون های اعتراضی علیه سفر خاتمی به آلمان اقدام کرده بود. دولت آلمان اقدامات امنیتی فوق العاده ای را برای مقابله و کنترل اعتراضات ایرانیان تدارک دیده بود. بطوری که در آن چند روز، برلین در یک حکومت نظامی اعلام نشده به سر می برد. دروازه های ورودی شهر و مرزهای زمینی و هوایی کنترل می شد و قرارداد شکنج برای چند روز معلق شد. شهر مملو از پلیس ضد شورش و ماشین های آب پاش بود. از ترس مخالفین جمهوری اسلامی، خاتمی را با هلیکوپتر جابجا می کردند و محوطه فرودگاه توسط هزاران پلیس ضد شورش و کماندوهای نقابدار و تک تیرانداز محافظت می شد. تمامی این تدابیر نمایانگر اهمیت این سفر از نظر تامین منافع امپریالیستی دولت آلمان بود.

برلین ۱۰ یولی، الکساندر پلاتز

این میدان تا چندین خیابان اطراف آن، کاملاً در محاصره پلیس ضد شورش بود. با وجود جو رعب و وحشتی که پلیس ایجاد کرده بود، تقریباً ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر خود را به این میدان رسانده بودند تا در تظاهراتی که توسط «سازمان زنان هشت مارس»، «کمیته دفاع از جنبش»، هواداران حزب کمونیست ترکیه (م - ل «مرکزیت مائوئیست»)، کمونیست های انقلابی آلمان، هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)، کانون مستقل پناهندگان سیاسی لاپیزیک، کانون مستقل پناهندگان سیاسی مونستر، کانون پناهندگان سیاسی گوتینگن، انجمن بین المللی حقوق بشر، تدارک دیده شده بود، شرکت کنند. تظاهرات با سخنرانی فریدون گیلاتی نویسنده و شاعر مبارز آغاز گشت. دومین سخنران مینا اسدی، شاعر و نویسنده مبارز بود. او گفت:

«عده ای به ما می گویند شما دیوانه اید، بیکارید. بله! ما دیوانه ایم، ما فریاد مادران دیوانه جوان گم کرده دریدیم. ما فریاد دختران زندانی در بند هستیم که در زندان به آنها تجاوز می شود. ما فریاد دختران نه ساله ای هستیم که با قانون شوهرشان می دهند. ما فریاد زنانی هستیم که به جرم عشق سنگسار می شوند. ما فریاد دانشجویانی هستیم که برای اعتراضی کوچک تیرباران می شوند. نویسنده اعزامی رژیم می گوید: «من مرگ را دوست ندارم». بله! ما مرگ را دوست نداریم، عاشق زندگی هستیم. ما می گوئیم مرگ بر کسانی که مردم را استثمار می کنند و مرگ بر کسانی که نویسندگان را بجرم دگر اندیشی می کشند. مرگ بر کسانی که کارگران را بخاطر دریافت حقوق شان سرکوب می کنند. من بخاطر عشق به زندگی، بخاطر عشق به انسانها، می گوئیم: مرگ بر جمهوری اسلامی!»

پلیس توهین به خاتمی و شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» را ممنوع اعلام کرد. اما تظاهر کنندگان وقعی به این ممنوعیت ننهادند و شعارهایی در افشای جمهوری اسلامی و دولت آلمان و در دفاع از مطالبات زنان و مهاجرین افغانی در ایران و ... سر می دادند.

زمانی که صف تظاهرکنندگان به مقصد نزدیک می شد. پلیس حمله خود را به تظاهرات با بیرون کشیدن یک زن از صف، آغاز کرد و دستگیری ها شروع شد. آنها می خواستند تظاهرکنندگان را بترسانند و

متفرق کنند. تظاهرات با شعارهای پی در پی، به محل مورد نظر رسید. ساعت یک بعدازظهر هلیکوپتر حامل خاتمی در فضا دیده شد که در حال چرخیدن بر فراز محوطه روبروی تظاهرات بود. موج تظاهرکنندگان ناگهان بطرف محوطه حرکت کرد. شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» به زبان های فارسی و آلمانی، فضا را آکنده بود. پلیس که در میان تظاهرکنندگان و محوطه مشرف به وزارت امور خارجه، مانند دیواری حائل شده بود، به ضرب و شتم جمعیت پرداخت. تظاهرکنندگان در مقابل فشار پلیس که جمعیت را به عقب هل می داد، به زبان آلمانی شعار می دادند. پلیس تصمیم به برهم زدن تظاهرات گرفته بود. نقاب دمکراسی امپریالیست ها پاره شده بود و پلیس به تظاهراتی که قانونی بود، وحشیانه حمله برد و تعدادی را دستگیر کرد. ولی تظاهرات متوقف نشد و مردم همچنان شعار می دادند. سخنران در حال افشای همدستی دولت آلمان با جمهوری اسلامی بود: «دولت آلمان به زیر پای خاتمی فرش قرمز انداخته است این فرش آلوده به خون مردم ایران است. مردم ایران هرگز اینها را نخواهند بخشید... مردم با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی خاتمی را بدرقه کردند ما نیز با شعار سرنگونی این رژیم جنایتکار خاتمی را استقبال می کنیم...» در این هنگام پلیس به تریبون حمله کرده و سخنران «سازمان زنان هشت مارس» را به شکلی وحشیانه دستگیر کرد. همه به خشم آمده بودند و شعار «امپریالیسم آلمان، همدستان جلدان» در فضا طنین انداز بود.

وایمار، ۱۲ یولی

در این روز قرار بود که خاتمی از سنگ یادبود حافظ پرده برداری کرده و نطقی در مورد گفتگوی تمدنها ایراد کند.

پس از اقدامات گسترده دو روز گذشته و درگیری بین تظاهرکنندگان و پلیس در برلین، از ساعت ۶ صبح در شهر وایمار حکومت نظامی برقرار بود.

در این روز به دعوت «کاروان» (سازمان چند ملیتی سراسری پناهندگان در آلمان) و انجمن بین المللی حقوق بشر، آکسیون از ساعت ۱۰ صبح ترتیب داده شده بود. فریدون گیلانی در سخنرانی خود اعلام کرد که «خاتمی صلاحیت پرده برداری از سنگ یادبود حافظ را ندارد چرا که نماینده رژیمی است که بیش از بیست سال است که حق هرگونه آزادی بیان و قلم را از نویسندگان سلب کرده است.» سپس یکی از فعالین سازمان زنان هشت مارس به توضیح وضعیت بی حقوقی زنان در ایران پرداخت. وی گفت ایران زندان زنان است و موارد سنگسار زنان، حجاب اجباری و برخی قوانین تبعیض آمیز جنسی علیه زنان را برشمرد. سپس سخنگوی انجمن بین المللی حقوق بشر به توضیح همکاری پلیس دولت آلمان و ایران پرداخت. پس از آن در ساختمانی که آکسیون در مقابلش برگزار شد، تئاتری به اجرا درآمد که نشان میداد که چگونه پلیس آلمان بر سر زنی پناهجو بزور حجاب اجباری می گذارد. به پیشنهاد تظاهرکنندگان قرار شد که این تئاتر در محوطه بیرونی ساختمان اجرا شود، اما پلیس اجازه نداد و شرکت کنندگان را تهدید به حمله و کنترل کارت شناسایی کرد. در این حین جمعیت به شعار دادن پرداختند که پلیس چندین حلقه بدور آنان زد و اعلام کرد که هیچ کس بدون نشان دادن کارت شناسایی نمی تواند از حلقه محاصره خارج شود. در این هنگام میدان گوته انعکاس صدای خشمگین زنان و مردانی شد که فریاد می زدند: «این دستگیری به شیوه ای مدرن است و اعتراض به یک جنایتکار حق مسلم ماست...» زنی از فعالین هشت مارس که در محاصره پلیس بود با فریاد به افشای حرکات سرکوبگرانه پلیس پرداخت و گفت که «دولت و پلیس آلمان برای منافع سیاسی اقتصادی خود بطریقی وقیحانه هرآنچه را که سالهاست مدعی بوده، زیر پا گذاشت.»

یکی از علل حمله پلیس به این تظاهرات ها و آکسیون ها بی شک محتوای انترناسیونالیستی و ترکیب چند ملیتی تظاهر کنندگان (ایرانی، ترک، آلمانی، افغانستانی، آفریقائی ...) بود. پلیس می خواست حتی شعارها را هم تعیین کند. البته تظاهرکنندگان با طرح شعارهای رادیکال علیه هر دو رژیم بیشتر موجب

خشم پلیس شدند چرا که قرار بود فضایی آرام و دوستانه برای «رئیس جمهور گفتگوی تمدنها» فراهم کنند و این طرح نقش بر آب شده بود. به هر حال علیرغم این درگیری ها، تظاهرات تا ساعت ۵ ادامه پیدا کرد و خاتمی مجبور بود که وایمار هم فریاد «مرگ بر جمهوری اسلامی» را بشنود و این واقعیت را هرچه بیشتر از نزدیک حس کند که ناقوس مرگ این رژیم را مردم ایران بصدا درآورده اند و هزاران ایرانی مبارز در خارج کشور این وظیفه را بر دوش خود می بینند که صدای مردم ایران را در اینجا نیز منعکس کنند.